

سال دوم - دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۵۹ بهاء : ۱۰ ریال

دربارهٔ رهنمایان حرکت ارتجاعی هیئت کاهمه - پیوسته دانشگاهها - مایهٔ اطلاعیه‌ها، تزارکاتها، اعلامیه‌های متعددی مباحث و تحلیل‌ها برپا می‌آورد از این حرکت ارتجاعی نشود و دانشجویان و استادان از این نیز در دانشگاه مبرهمنس با به‌عمل‌گرداندن، ثبت‌برایان از هرگونه توضیح مفصلی در - بارهٔ این حرکت، خودداری و رزیده‌وایا یک توضیح کوتاه - بپیرامون آن، مباحث، با پیرچهاریات سیاسی (آزادمان - مایه‌دین و آزادی، ج.ف.خ) را دربرایان چند - درگذشته‌شود از این به‌مختصرت، دهیم.

[illegible]

در آری، دانشگاه زمانی مورد هجوم قرار می گیرد که در
گسترش آن ابزارهای سرکوب ارتجاع و دومین گسترش
خویش را برقرار کرده باشد، رخا بعد از احتیاج و
سرکوب و زور و سرکوب گسترش می یابد تا گرما می ریزد و خارج
سنگین رختی محکوم به اعدام می شوند. در راستای
دفاعی به منظور سرکوب ارتشانی با ریزگی می افتند،
انقلابیون به زبان کومینت، توسط با دهای می باشد
هات بدنه از آلت نیرو می شوند... هوپک هجوم بر آری
است و دشمنان گشتی گشتی - و آهنگ گشتی می بینم - از
روا به مناسبت می گذارد.

مبدعه ما این‌ها مخلقه‌ای از جن پرورد و سرگوب
سراسر جمیع است که زنده‌ها این از بدنی بی‌ارسم
دهوا تا روعا و رهن از همان زمان قابل رؤیت است.^{۱۸}
نهادها سراسر که در دوردیگری از گوب رابری انقلاب به
از همان این آورد نامکناش روشنی از دنیا و قابل
همچنین حاکمه‌ها جدا شد تا "حکومت" در گوب و با آن
دادن به وضعیت شکننده‌ی بی‌ثبات حکومت و بازاری هرچه
مستقیم‌تر با مادی را و باستانی از دست و گوب پرورد
حق بخوان و خرافات دینگری فروری رود.

هیئت‌ها کمه برای اینکه بتوانند در این تانک‌های مردمی خویش موفق شود، ناچار است برای تحریک احساسات روده‌های ناآگاه، برای توجیه جنایات خود در مقابل مردم و با اذنه‌ی مسیح آنها بر علیه جنبش انقلابی، به‌بیشتر نه‌ترین دروغها، شوم‌ترین نقشه‌ها و جنایتکارانه‌ترین اعمال متوسل شود.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته ترسازیم

مجا همدین خلق برای این اساسا بر فادربردگ آنها در اتفاقا قنصر
اساسی هشتاد که درمقا بله با انقلاب نبوده و نشان داده -
اند که تطبیق ها بر نشان به شیخ آن تا کنون هشتی که انکساذ
نموده اند بر سبب آنی که در سطح می گذرد و تطبیق پیدا می -
کند استوار رگشته است و بناچار بر حرکت از با بگا می تا درست
بهدارودسته حزب جمهوری اسلامی تا حده اندوایا مله بهارم
سیاست لیبرالی گرفتار شده اند. گذشته از مصلحت اندیشی های
رهبری مجا همدین خلق موقع ماسا تا جوبانه ای که در فساد
مسائل جاری در اینجا و آنجا اتفاقا نموده اند اتفاقا دما -
اساسی ضعف و نزل زنی است که درمواقع این سازمان رخ نموده
و در طول یکساله پس از قیام مرشدا از ظرفیت انقلابی انسان
کا بنده در عرصه سیاست مدام آن را را روموع وادیکال انقلابی
به موانع لیبرالی و سازگارا نه نزدیک نموده است. سکوت و
عدم موضع گیری در قبال سرکوب گردستان در تارستان گذشته
که امروز نیز دقیقاً تکرار رمشود، افتاد دما همدین همدی
تبلیغاتی هشتاد که درمواقع رزمه دما میربا لیستی سیاست -
های تا درست و سبب است لیبرالی و قیام تا اتفاقا تا مجلس
شورای ملی، دوری جستن از قطب انقلاب و کمونیستها، اما در

۵۹

مجا همدین خلق، با به ملی فعالیت سیاسی خود را در چهار چوب پذیرش نظم سیاسی کنونی و
قانونیت آن، استوار نموده اند و هیچ روی حاضر نیستند که با راندنکی از این چهار چوب
و قانونیت فراتر نروند و این سرآغاز انحراف در خط مشی سیاسی و عملی آنها در دوره کنونی است.

عوض روی آوردن به معادلی لیبرالی و لیبرالها، دلخوش
داشتن به حرکتی مدروعا به زوری در قبال رنر تحمیل
حزب جمهوری اسلامی و... سلسله تئوری است که سازمان
مجا همدین فعلی را از رشتنای برافراشته رما همدین خلق و
روحه عمیقاً انقلابی و رادیکال این سازمان بشدر پیج فور
می سوا این نمی توان ندیدای انقلاب خطرناک بنا شد.

۲ - مجا همدین خلق، با به ملی فعالیت سیاسی خود را
در چهار چوب پذیرش نظم سیاسی کنونی، وقانونیت آن استوار
نموده اند و هیچ روی حاضر نیستند که با راندنکی از این چهار -
چوب وقانونیت فراتر نروند و این یکی از اعلل اساسی انحراف
در خط مشی سیاسی آنها، در دوره کنونی است. مجا همدین می -
گوشتند تا به طریق ممکن این قانونیت را رخنه دار کنند و به
راه های گشاده نشوند که هر چه سیاست رزمه مورد تجا ول
قرار دهد، مجا همدین در کلیت فعالیت سیاسی خویش بر چنین
نظمی گردن نهاده اند و از ملامت عرصه حرکت رنبا زده سیاستی خود
را بطور قاطعی درمقایر تنگ و با ریکی محدود کرده اند. آنها
می گوشتند تا فعالیت سیاسی علنی خود را به طریق ممکن
حفظ نما یند. فعالیت علنی در چهار چوب قوا و قنین و قنبد و
بند های که حکومت ویا به با رت بیشتر بورژوازی سورجود
آورده است، معنای ندارد. محدود کردن فعالیت سیاسی در
چهار چوب فعالیت علنی، یعنی در چهار چوب پذیرش نظم
بورژوازی حاکم، همانا رفرسیم و لیبرالیسم است و این یعنی
به معیار رزده طیفی، اراجا رنده هم درمقایر تنگ و با ریکی
که رزمه سیاستی موجود اراجا کرده است، جریان مایه. چنین
خط مشی وسایستی به معنای گشاده نشدن معیار رزده طیفی
به معیار رزده ای که در هر گاه از حرکت خود، به حرم مقدس سور -
ژوازی و حکومتگران تجا وزمی کند و چهار چوب قانونیت
حکومت رادزمی نکند، از راه انقلاب به راه رفرسیم مفهوم
دیکری ندارد. معیار رزده طیفی در هر گاه رنه و زمره، در هر
موسه واداره، در کوه و غیا بان و در هر گاه که زندگی جریان
دارد، بهیوسته در جریان جوشش و نداد و مغوش نظم بورژوازی را
مردم تا و ز قرا می دهد، قوا و قنین آن را زیر پای می گذارد و
منافع اساسی طبقات حاکم را به خطری اندازد، این علت
قوا و قنین معیار رزده طیفی است.

کوشش برای بازداشتن این معیار رزده و رنبا وزیه حرم
بورژوازی و شکنش قوا و قنین دست و پا گیران، اراجا نسب هر
نیروی که هموزت گیر در رنبا معنای شنی کردن جور انقلابی
منی معیار رزده و دامن ست و سوری رفرمیستی و لیبرالی به آن
معنای دیکری ندارد. و اکنون سازمان ما همدین خلق خط
منی را به رنبا کرده است. سازمان ما همدین می خواهد که معیار
طیفی شنی شده، بهیچ وجه از راهی که رزمه رنسم کرده
است، به راهی که قرا ترا و نانی حاکمیت رزمه بورژوازی

دسته و گروهی حق نداند راجا از جرای قانون و دولت چنین
بر نماندای را به پیش برد. اگر روش حزب جمهوری اسلامی،
تجلی جریان هدف مورد نظریستی سرکوب دانشگاه و با ریس
گرفتن دستا وردهای انقلابی در این سازمان معیار رزده و دما
انقلاب، را در خود منعکس نمیشود، بدون آنکه هیچ گونه بهره
پوشی صورت گرفته باشد. روش منی مدر، هدف را در پس لایه
ضعیفی از عوا مفریسی و روشهای به اصطلاح قانونی مردم -
پسند، به نشان می ساخت و از این لحاظ نیز خطرناک تر و ربا -
کارانه تر بود.

اما موضع گیری نیروهای انقلابی در چنین لحظاتی که یک
رخداد به مرکز توجه نموده وای وسیع مردم تبدیل میشود، در
لحظاتی که حمله به بخشی از دستا وردهای قیام خونین بهمن
ما در دستور قرار می گیرد، در لحظاتی که جنبش نموده ای (در هر
بحث خود) محتاج رهنمودهای انقلابی ای است که بتواند
مبارزه را به دفع خلق و رزبان در خصل به پیش ببرد، در لحظاتی
حساسی که در پیش خویده انداز ماها با رافشا گری و انتقال
آنها می به نموده و راجا می کند و با رافشا در لحظاتی که هشت،
حاکمه میخواد هشمره تا کنون خصلی اش را به پند... آری

در چنین لحظاتی نیروهای انقلابی با موضع گیری اصولی
خویش با بهیبا نگرشند اما رده نموده ها می گشتند که با دشمن به
مبارزه و مفا و مت دست زده است. با بهیبا نگرش می گشتند. فشا راه
حرکت نموده ها تا بر فدا انقلاب هجوم کند. در دفاع و با ردا ری
از ستر خویش جا نا نه مفا و مت نماید.

در جریان پورش رزمه به ستر گزای نیروهای سیاسی مختلف
با روشا و ایدئولوژیکی و میزان کشش خود را درمبارزه با
ارتجاع به معنای گشاده نشدن، در این معادله ای گشتند که با دشمن به
نیروهای است که درمقا و انقلاب رنبا نشدن تئوریتی شریعت سیاسی
ایدئولوژیک آن را بر نموده های انقلابی هوا دارا تا رنبا نشدن
است به انقلاب و نیروهای انقلابی که بشدر پیج از ظرفیت و
توان انقلابی جنبش کا سته و از مویا به نفع فدا انقلاب خواهد
شد. در جریان حرکت دانشجویان انقلابی، درمقایر بل سسوسی
ارتجاع و دوط مشی و دودیدگاه متفا و راد عمل شدند. یکی
خط مفا و مت و مبارزه و دیگری خط سازش و ماسا تا...
یکی چنین استدلال می نمود که برای دفاع از دستا ورده
های انقلاب و حفظ ستر گزای و آگاهی می باید در برابر ریسپا
جمل و تا ریکی، ستر گزای و مت و مبارزه معادلی اراجا نمود و دیگری
چنین استدلال می کرد که نباید به موجب شنج شیوم، اساسی
اختلاف این دودیدگاه را بر این بود که با بهیبا ارتجاع و بطور
همه جا نبه ای معیار رزده نموده و با وساحت و فقط به رنبا نشدن
گری های لیبرالی محدود و از مویا انفعال اکتفا نموده...
در زیر می گوشتند و سوری این دوط مشی، اشرا ت و
زبانهای آری (در چهار چوب بر خورده مسئله دانشگاه) در
مواقع سازمان، مجا همدین خلق و سازمان چریکی فدا شنی
خلق مشخص نماید.

سازمان مجاهدین خلق و مسئله اشغال دانشگاه:

موضع گیری سازمان مجاهدین در قبال اشغال دانشگاه -
ها طبقه ای است از سلسله رنبا رست رها است و راهی که مدت ها ست
این سازمان در قبال هشتاد که ماسا تا انقلاب روریدا
های اجتماعی به معنای گشاده نشدن است، با بهیبا ساسی این خط
منی راست و رها را به بطور عمده در: الف - رزبا ساسی
انحرافی آنها از جانی از رزم (جنا منی مدر) و نمانه روری
از آن، ب - در چهار چوب بر خورده مسئله دانشگاه (در
چهار چوب قانونیت رزمه کنونی، ج - شنج نمود.

۱ - سازمان ما همدین خلق نشان داده اند که با دنباله
روی از سیاست های ربا کارانه نبه بخشی از هشتاد که ماسا تا
موضع گیری "عادی" در قبال بخش دیگر، قادر به درک رابطه
ناگسستی میان این مجموعه نبوده و با تفکیک جتا همسا از
یکدیگر جتا ربا ربا سیاست جتا ای از هشتاد که ماسا تا رها اند.

و بهین دلیل است که خلقی ما به ستر از یکسال است
در و فهای نوع ربا میری را از رشت را دیوتلوژیون واپسته
به رزمه جمهوری اسلامی شرمی ششوند. آنها خود نه حرکت می -
کنند، گشتا می کنند، نموده ها کا مرمود و انقلابیون رامورید.
آزاد و رنبا و شنج قوا می دهند، ما برای فریب نموده ها تمام قفا با
زا و رونه جلوه می دهند. برای سرکوب خلق کردیکیا رما مرم
زنا در دستند و سر بریدن به داران و... علم می شود و
یکبار دیگر حرکت کرد و رنبا و ربا رنبا رنبا از رنبا و رنبا عراق
و ماسا تا نمت نیروهای انقلابی از رشتن ارتش به رنبا و...
و علامه اینکه رزمه جمهوری اسلامی در لاف زنی، دروغ و گشتی و
جنا پتکاری روی سببای رزمه های ماسا به خود را بقیدی می -
کند. در اینجا لازم است به این مومع هم تا رنبا که جتا جتا -
های مختلف هشتاد که به یکسان این هدف را پیش نمیرند
و از همین لحاظ با یکدیگر اختلافات آشکارا دارند. با نند
سببای رنبا جتا جتا "حزب جمهوری اسلامی" که رنبا از رنبا
انقلاب نیز خود را رنبا بهیبا نشدن و عقب مانده شری
شکی برای پیشبرد هدف مومع هشتاد که ماسا تا می کنند.
رهبری این حزب برای خوراندن نموده های مردم علیه انقلاب -
سیون کمونیست و دیگر نیروهای انقلابی از هیچ گوشش
جنا پتکارانه ای فرو گذار نمی کند و برای کسب هر چه بیشتر
خود رنبا در هشتاد که ماسا تا به طریق گشاده نشدن رنبا رنبا می گردد
بشوا ن مثال همین جریان حمله به دانشگاه را در نظر بگیریم.
ایده اساسی و هدف یکی که ماسا تا از تصرف دانشگاه رنبا رنبا
کردن آن از فعالیت گروهی انقلابی دا نشوشتی و... بود
در رنبا شورای انقلاب و سنی مدر... یکی سوده و همگی خواهان
انجا مرنطق آن بودند. اما چند روز قبل، ماسا تا دی که توسط
آنچمن دانشجویان مسلمان افشا شد، نشان داد که حزب
جمهوری اسلامی قصد داشت که با استکار و رنبا از طریق آنچمن -
های اسلامی دانشگاه را و رنبا رنبا نموده و رنبا جتا جتا رنبا رنبا
عمل شد. حزب جمهوری اسلامی برای قینه کردن دانشگاه ها از
طریق آنچمن های مذکور و برای اجرای نقشه های خویش به
فرع عملی ست می زد می رنبا، برای پیشبرد هدف مذکور،
از طرف جتا جتا دیگر هشتاد که ماسا تا بهیبا بندگی شنی مدر تا کنون
دیکری بکار گرفته نمیشود. سنی مدر هم می نمودن همان راه حزب
جمهوری اسلامی را مدنظر دارد. لیکن از شیوه های ربا کارانه
- ترو بهیبا به ترو رنبا رنبا استفاده می کنند. این سیاست در
چهار چوب کلی خود پیروی خارج از همان "مسطق جتا جتا نشان
شیرینی که ماسا تا در رنبا رنبا قنلی بدن پرداخته ایم نیست.
بنی مدر کوشش می کنند که در لیا "از دیخوا می" و "دموکرات
نمانی" از دیخوا را سرکوب کنند و بهیبا را در قینه قدرت رزمه
جمهوری اسلامی درآورد و بنی مدر از رنبا رنبا جتا جتا حزب
جمهوری اسلامی "عادی" است و بهیبا رنبا رنبا رنبا رنبا
می دهد. اوسمی می کنند که رنبا انقلاب قینه بندیا رنبا نیرو -
های متزلزل را به سمت جتا جتا خود بکشند و با حاد قنصل
خشی کرده و با سنی مدر در معاد انقلاب بر آن بنا زد. سنی -
درمقایر اشتفاده از دستا تا لانز نظریه قفا داران و سببای
آنچمن های اسلامی واپسته به حزب جمهوری اسلامی، نموده های
مردم را به دانشگاه می کشند و با این همان چیزی است که در
شترانی نوژوری خود، سببای بهیبا ماسا تا الله خمینی نموده ش
را می داد:

"اگر من رئیس جمهور شدم تا از رشت را دیوتلوژیون
- یون گشتند که در فدا با فغان شتر آتوب کرده اند.
اگر آن در دست دارید، زمین بگذارید و به آتوب -
بروید....!"

و این در یک کلام یعنی جنگ داخلی، یعنی آشوب و سنی
بناگسستن خلق علیه خلق و این تا کنون سببای شوم ارتجاعی
و مکرر به شکست است.

بدین شریب اختلاف میان سنی مدر و حزب جمهوری
اسلامی در جریان هجوم به دانشگاه ها در هدف نبوده بلکه در
روش بود. هر کدام از آنها به یک مومعیت خود برای رسیدن به
هدف، روشی را شنج می کردند که مومع: استکار رنبا و رنبا
جریان حفظ نما بدو مکان تسلط را بر این نما بدو خود
آورد. و به معنای دیگر مومع هر یک را در مجموعه قدرت سیاسی
تقویت نماید. حزب جمهوری اسلامی، با تکیه بر تشکیلات
سببای رنبا سازمان یافته و سنی خود را سببای رنبا رنبا
(آنچمن های اسلامی...) تلات کرد تا "انقلاب فرهنگی" در
دانشگاهها "جاری کنند و دانشگاه را به شول خود درآورد و سنی -
مدر که فادیک چنین تشکیلات و نمانه های سازمان یافته ای
بود، "مردم" را به برای گرفت و فرمان لشکر کشی نموده های
نا آکا مرمود را به دانشگاهها ماز کرد و بهیبا رنبا رنبا رنبا

هجوم به دانشگاه ها توطئه ارتجاع و خواست امپریالیسم است

است بغیر از ترغیر و در آن محصور باشد، شما متا کتیکها و سیاست های روزمره سازمان محادین حول این خط منسی اما سی شکل می گیرد، و به همین جهت مضمون و غفلت و فرامیشتی و لیبرالیستی دارد.

سازمان محادین نمی تواند نهمین چاروب قانونی رژیم جمهوری اسلامی را بپذیرد و هم در جهت مبارزه طبقاتی و انقلابی توده ها حرکت نماید. این تناقض بین سیاست و راهبردها مبارز در جاتی بشکند و تکلیف آنها می شود تا همین شما به. بدون تردید مبارزه توده ها، بغیر از "هندا رها" خبرخواهانه " محادین به آنها که در مبارزه "زبا ده روی" نگنند! سپر رویه انقلابی خود را طی خواهد کرد و در هر گاه خود محدود قانونی حکومت را مورد تعرض قرار نخواهند داد و محادین اگر نخواهند سپر چنین طبقاتی گردن نهند و اگر بخوانند که ما کان بر چنین محدودیتی در خط منسی سیاسی و ولایت های عملی خود سیاسی فضا رند، بخواهیم که ترغیر و خشکده همچنان در دامن دینا رها های لیبرالی نسبت به ما هیت و کیفیت حکومت کنونی ما قسسی بماند، بدون شک سازمان رزه طبقاتی توده ها فاعله خواهد شد گرفت و در مسیر انقلاب متان به حرکت درخواهند آمد.

★ ★ ★

باری، گفتیم که شما می بایست شما و تا کتیک های سازمان محادین در قبال رویدادها و حوادث جاری کشور بطور عصبه از دوا نحراف اساسی فوق در خط منسی سیاسی آنها ما به می. گیرد، بنابراین هرگونه بر غور و به این تا کتیک ها با بدعتاً با در نظر داشت این دوا نحراف اساسی صورت گیرد. موع این سازمان در قبال مسئله اشغال دانشگاه ها نمونه بر صحنه های از این حرکت و موضع گیری سازمان را نه به شما پیش گذاشت.

بطور خلاصه می توان گفت که این موضع گیری را در اصل می کنیم: "من برای این اگر کسی مدعی می شود که شما توده ها را در دامن چنانکه گاه گفته می شود با رزاری انقلابی آسوزش کشور را راه کرده است، می توان در پیوسته ای که از طریق معقول و منطقی به پیش برانند، مگر این که به رسمیت پذیرد دیگران به شما را زکارتی و ولایت با نهاد های حاکم، بدون منت و بدون درنگ در یک نظام مبدع می سر می برد که نمی توان اهداف انقلابی را در آن بطور قانونی و مسالمت آمیز متوقف ساخت."

(مجا هشدار ۴۴ شصده ۳۰ فروردین - تا کتیکاری است)

محادین در این موضع گیری خود به هیچ وجه معلوم نمی کنند که روی سخنشان با کیست، بکار بست کلماتی نظیر "تخرقه - انگیزان"، "فتنه جوئی" و... هیچ مطلبی را روشن نمی کنند. اما در عوض جملات محادین سخن است از راه طبعی "مقول و منطقی"، "بطور قانونی" و "تصمیم" به شما ما ت مشمول، که نسبت به این "سنگرها" آگاهی و آزادی چنین "برجمنی" روا ندارند! محادین معلوم نمی کنند که از کدام "منطق" و "قانون" صحبت می کنند. "منطق" و "قانون" انقلاب با "منطق" و "قانون" فدا انقلاب؟ حکم شما خودتان است! دوطرفه اشغال دانشگاه ها را افشا نکنید؟ مگر در راه "حزب معلوم" لعل "دا دسفن نمی دهید و مگر شما سرمداران این "حزب" را در شورای انقلاب نمی شناسید؟ دیگران به ما فقیه کیست؟ در کجا می دنیا مسئله آزادی را با قانون و منطقی حل می کنند که یک طرف آن (مقول) شما (مرتجعین و نیروهای میرا "فرا رده و طرف دیگر آنرا "طبقات با توده" تشکیل می دهند؟ چه دلیل می وجود دارد که شما این چنین با "ترش" و "پرا زانها سخن می گوید؟ چرا موضع و نظرات را مریح میان نمی کنید و برای توده ها - دارشان در دانشگاه و نظریه های خود را معلوم نمی کنید؟ اما محادین با اظهار رگلابی که در بنقل قول فاسد و شونده اند، نشان داده اند که از "منطق" و "قانون" معاصر استفاده کرده اند و از این وجهه اند که به شما ما زکارتی و مخالفت با شما دهی می حاکمیتهم شده اند، و خواسته اند "ریگ کشی" آنها بر زندگان را در دلای جلات هیچ در هیچ نشان بدهند و چنین اظهار می کنند که: "شما اشتباه می کنید، ما طالب قانون و منطق هستیم، ما دانشگاه ها این "سنگرها" آزادی و آگاهی را به شما تسلیم نمی کنیم، اما به پذیرفته ایم که در چاروب آزادیها می که رژیم اعطا کرده است فاعلیت کنیم. چرا که ما قانونیت رژیم کنونی را بپذیرفته ایم، بدون جهت نیست زندان! آری در پس جملات محادین این اعتقاد غوا بهیاد است و این فقط یک ادعا نیست، در سطری بعد نشان غوا بهیاد که این تسلیم چگونه آشکارا صورت می گیرد!

محادین در انتهای این اظهار نظر خود می گویند:

"اگر کسی ما نمید، کارکان را، نشاندها نمی توانیم در دانشگاه

ما و مدارس عالی نیز نشاندها رزمی که در چنین شرایط حاسی نسبت به سرکوتراکز آموزشی خود - این سگراهای آگاهی و آزادی - بی تفاوت نباشند، (هشدار)

اگر شما اعتقاد دارید که دانشگاه "سنگرها" آزادی است، اگر اعتقاد دارید که این "سنگر" از جمله سگراهای سی - شمار است که به دست توانا می شود، و در اینجا دانشجویان (انقلابی) در جریان قیام بر شکوه همین ما فتنه شده است، بنا بر این زمانیکه این "سنگر" همانند دیگر سگراهای انقلابی چون گردستان، موردها، جومنا و زارنجان قرار می گیرد شما از آنها با زین گرفته توده بهیمنی و زما کتیکه کوش می شود که در این سنگرها، با کتیک و ارتجاع جانشین حاکمیت توده ها گردد، اما حای شیو که ترمیدی وجود دارد که ما به در برابر این شما و زوتنها هم میقات و مت نمودن این "سنگر" را بیگ کانون مقام تبدیل کرد؟

هر چه جنبش انقلابی، توده های وسیع ترواقشار و گروه های اجتماعی جدیدتری را در بر می گیرد، زنجیر توطئه و سرکوب هیئت حاکمه نیز طول بیشتری می یابد و بر تعداد حلقه های آن افزوده می گردد. حمله به دانشگاه ها تنها حلقه ای از این زنجیر برکوب است.

اختلاف میان بنی مدرن و حزب جمهوری اسلامی، در جریان هجوم به دانشگاه ها، در هدف نبود، بلکه در روش بود. هر کدام از آنها، بحکم موقعیت خود برای رسیدن به هدف، روشی را جستجو می کردند که موضع ابتکار عمل را در این جریان حفظ نمایند و امکان تسلط را بر این نهاد وجود آورد.

محادین به این شواهد نمی توانند بطور کلی پاسخ منفی بدهند، اما از آنجا که کتیک و ارتجاع را پذیرفته اند به نظم و قوانین آن گردن نهاده اند و خود حق نمی دهند. که را از کتیک آزادی که از رژیم گذشته است، بغیر از تریک اند به ناگزیر به این شواهد در عرصه عمل و زما کتیکه مسئله بطور مشخص مطرح است با هیچ مثبت می دهند، ولی عدا کتیک را بداری از این "سنگر" را نهاده و توده های مقابله را چنان می از هیئت حاکمه طلب می کنند و شکوه و شکایت به پیش اومی بر نه، چنان می که خود برای شما جومنا و ز (ا) لینه در شکل مردمی آنرا صحنه گذاشته است، درست بدلیل همین شما قضاست که چنین به شما مگوئی می افتند، و از توده های دانشمور... می خواهند نسبت به "سرکوت مراکز آموزشی خود، بی تفاوت نباشند."

آنها دانشجویان انقلابی حق ندارند از شما بخواهند که مفهوم "بی تفاوت نباشند" را روشن کنید؟ آنها شما بعنوان یک سازمان سیاسی بعنوان وارث یک سازمان را در مقابل که مستحای گرانها می درما زده اند، میراث لیستی از خودیجا گذاشته است، موظف نیستید که در قبال دفا خرد دانشجویی، بعنوان یکی از سگراهای زوات دموکراتیک، عدا میراث - لیستی دانشجویان انقلابی و یکی از ستا و ردهای مهم قیام خونین خلق که فاعلیت و توده است، آنها را از زمین بردارد، موضع مرجع خودتان را روشن کنید؟ آنها با بدعا میروا لایسه از "سنگر" آزادی و آگاهی که کرد؟ بی تفاوت نباشند "را" شما معنی نکرده اند، بدین تروا بدین روزهای بنیعدیمانی و فقیق آنرا که عیارت و تسلیم دفا تریه ارتجاع است در عمل و در موضع گیری خود نشان دهید. "بی تفاوت نباشد" - حیران با تید... اگر توانستیم از طریق "قانونی" و در مذاکره ما هدست "حزب معلوم" لعل "یعنی" می، مدر "جای می جرمیم آنگاه معلوم می شود که شما چه کنید! غیر این موضع انقلابی نیست، موع انقلابی، تکلیف یک فقیه سیاسی را چه شیوه انقلابی حل می کنند و حل آنرا نیز بطور روشن نشان میدهد "بی تفاوت نباشد" معنی است که گفته شده است - میراث - اینکجه چیزی گفته شود این با صحت فرمت طلبانه موضع گیری های رهبری محادین خلق است.

در پیوجیه بحث بر سر مفاومت با تسلیم در عدا لیکه دانشجویان انقلابی در سگراهای آزادی ما قومت می کردند، مجروح و شهید می شدند (دانشگاه شیراز ۷۰۰) "مجا همد" ۲۵۰ منتشر می شود، مجاهد در کشتی از سرقا لعل زین ششیر "سرکوت آزادی"؟ آموه است:

"در عدا لیکه شما می بایست ما هنوز را واک و سبب پاک نباشد، و می یک نسبت هم در این باره داده اند و می دهند، در عدا لیکه فراداده و روابط استماری هنوز بطور رسمی در جاتی خود باقی است و در حالی

که... چگونه میتوان از انقلاب مرهنگی دمزد؟" (مجا همد ۲۵، یکشنبه ۱۳/۴/۵۹)

ما هم جملات بالا را تکرار نشود و از محادین شوال می - کتیکه همین نظامی، نظام حکومتی چه گانی است؟ آنها در شورای انقلاب با دفتر رئیس جمهور با بدعربله میراث لیسم و عدا کتیکه می بایست از محادین واک و... ما زده و افشاگری نمود؟ آنها این سگراهای که شما از آن ما می - برید که کاست؟ کهای دنیا در یک نظام استشاری و گروا لایسه به امیر با لیس محدود آزادی را برای نیروهای انقلابی، هیئت حاکمه نمین می کنند؟ شما که مرشد در انتخاب جوا هست زدن با هیئت حاکمه (و منشا بنی مدر) برای حل مسئله دانشگاه ها می سوریت، و از راه های "قانونی" سخن می گویند، دوستداران نیستید که حزب جمهوری اسلامی، رئیس جمهور و قانون دستخبران برای شما "آزادی را سرایت نموده و

هر چه جنبش انقلابی، توده های وسیع ترواقشار و گروه های اجتماعی جدیدتری را در بر می گیرد، زنجیر توطئه و سرکوب هیئت حاکمه نیز طول بیشتری می یابد و بر تعداد حلقه های آن افزوده می گردد. حمله به دانشگاه ها تنها حلقه ای از این زنجیر برکوب است.

اختلاف میان بنی مدرن و حزب جمهوری اسلامی، در جریان هجوم به دانشگاه ها، در هدف نبود، بلکه در روش بود. هر کدام از آنها، بحکم موقعیت خود برای رسیدن به هدف، روشی را جستجو می کردند که موضع ابتکار عمل را در این جریان حفظ نمایند و امکان تسلط را بر این نهاد وجود آورد.

حدود آزادی در دانشگاه را برای شما تعیین نمایند؟ آنها آزادی را توده ها کتیک نمی کنند و از آن با داری نمی نمایند؟ پس خط منی انقلابی شما برای حفظ سگراهای در کاست؟ تشریه شما تبدیل بیک خبر "ما دفا" شده است که فقط اخبار درگیری های دانشگاه را درج می کند و در آن گیر و دار دست به "افشاگری" زده و برای سرکوت آزادی اظهار رنگارنگی می کنند! شما در زیر نویس شمیری که از شما و مت دانشموران نوشته اند، می گویند: "دانشموران نیرمان هم در عدا عود ایستاده و آزادی می کنند!" آنها این چنین تصمیم و شما از یک طرف و موع را بر اینها می بنگ، دویپلو اعلام عدم مودتگیری شما از طرف دیگر، می خواهند از شما دان کتا رگود نشین که برای کتیک گیری است و شما در می کشد می اندازد؟ و آنها شما عدا "من آنم که در ستم بدینها نیست؟"

خط منی مقابله و مت جوا نباشد و رهنمودهای عملی شان کاست؟ محادین خلق به این موضوع پاسخ نمی دهند. آنها به شما و مت توده ای و توجیه به توده های که می دارند، آنها "سوی" با لاشی "ها روی آورده و چشمه آنها را دوخته اند. شب یکشنبه ۳۱ فروردین شما را با حمله فدا داران به دفتر محادین در مشهد به رئیس جمهور تلنگر افشوری می فرستند و از رئیس جمهور خواستار "دخال ت فوری و فاعلیت" میشوند، آنها "فرا موش" کرده اند که شما با چه مقدار از این درخواستها و از این محکوم کردن ها توانا شده است؟ شما فدا داران و ولیداره بندان با نه جمهوری اسلامی را به دگا (لایه) "انقلاب لایسی" بکشاند، آنها از این شیوه "مبارزه" دست برداشته و روز بروز بیشتر در آن غرق میشوند، آنها فرا موش کرده اند که در مرداد شهر پوریا رسال در آستانه مورش به گردستان چه نیروی بود که از شما دفا شما فقط نمود، آنها توده های هواداری که شما فاعلیت از اطلاع از این بکنجه ممکن است فاعلیت از اطلاع به دفتر محادین حمله کنند که در فتر جمع شده و از حمله عوا مل تحریک شده توسط با دهای ارتجاعی جلوگیری می کردند، و اگر موش نبوده اند، اما محادین موش را به این توده ها را به عقب کشیده و بدینا ل خط منی با زکارتا را نه موش را و نه کرده اند، بهیاسی توسل به توده ها، بجای کتیکه مبارزات آنها و حقوقی که در این زمینه دارند به شما کتیکها می "لا چم" دوخته اند و اختلاف میان جناح بنی مدرن و حزب جمهوری اسلامی امید دارند و بدون آنکه در پس ما هیت این اختلافات با تید، خط منی خود را بر اساس کیفیت این اختلافات (۱) نشان داده اند. آنها به رئیس جمهور می آفریند و خواستار "دخال ت فوری" می شوند. "قال" از این بکنجه، مدر به شما دفا و بدعا نیست بلکه از ضرورت زندگان بر عرصه عفا بدوا افکار آزادی، مترقی و انقلابی است. آنها "قال" اند که بنی مدرن میخواد و نه

(۱) - با و فوری در عدا همد

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

میان توده وسیع مردم نا آگاه و دانشجویان می رفت ،
بکلی مردود و نا درست شمارد . و مقاومت را تا زمانی
جایز شمارد که احتمال این درگیری می رود ، حتی اگر
این عدم مقاومت به بهای تصرف سنگر مورد دفاع توسط
ارتجاع تمام شود .

تنها از این رهگذر سود که تا آخرین لحظاتی که (برپایه) اطلاعات و ابدهای موجود در فلان بانک، بدینرسی است، بوده، هستی و آنخود را باری و پشتیبانی و حمایت بی دریغ نیروی و سعی را دروند که ما مردمی است، خود را مستخدمه مقام و مقام و مزایا و خوشبختی برای حفظ سگرتازای در این مقطع ادا نموده (۲). و این تنها راه اموالی و مصلحتی بود که می توانست در دسترس نگاهداری (تنها به یکی از اعضای و سعی ما را در روند اموالی بمانداری از خون شهدای ۱۶ آذر و ۱۳۰۰ آن و قیام خونریز بهمن ماه از فتنه فکری و کلیه دستاوردی که ما علیه اموال و راز و چندی ساله بوده و به مصلحتی بی دردی ما مبردا در.

مجا هدين، درجيان بکسال وچندها،خير، درمبارزه سياسي، هموارتوده‌هاي تحت نفوذ
خويش را به عقب گشاده و بدنبال خط مشي سازشکارانه خوش روا نگريده‌اند. تنها بجاي
توسل به توده‌ها، بهجاي تكيه برميزان آنها، بهشكافئي بـ"بالا" چشم دوخته‌اند و به اختلاف
ميان جناح يني مدرعوب جمهوري اسلامي بدسته‌اند و بدون آنكه درپي ما هيت ايين
اختلافات و شكافها باشند، طغيان خود را براساس كيفيت و معكردن اين اختلافات بنه‌انده‌اند.

خود در مقاومت در برابر هجوم ارتجاع دچار تزلزل شده و سرانجام پس از کشش و قوس های بنیاد رودر شایستگی که هنوز مقاومت می توانست و می بایست ادامه می داد، سیاست شکنش مقاومت را در پیش گرفتند و در پهنه عمل از طریق دانشجویان پیشگام جاری کردند.

بعد از ظهر روز دوشنبه اول اردیبهشت، دانشجویان به جمعیت آریا ستاد فدا گشتان بدر، کمیته ها هنکی تحویل دفا تروپیا با دادن به مقا و رایشته نمودند. با بدلیل فاشی های اداران ما و دیگر گروهای که دروغ مقاومت را می بودند و نیز از اینکه فدا قانع کننده ای برای این عقب نشینی را نمی کردند، بنا گزیر بدین رفتند که تا صبح روز دوشنبه ۵۹/۲/۲۲ (۵ صبح) مقا و ما و ما می پیدا کنند تا دیگر ما تحلیلی از اوضاع و شخص مصمم گرفته شود. این تصمیم و عهدی با سانی که از جانب ما با زمان و جریگی را فداشی اعمال گردید، شکسته و زیر پا گذاشته و در نیمه شب ما تروز، بلوریکو و ما نقض بر حسب های یک فدا لیست متحدان شانایی با ما و مقا و خوشی را اعلام نمودند. روزنامه ما بعد از ظهر دوشنبه ۵۹/۲/۲۲ نوشت:

«آرامن دانخويان پينځگان درآغرين ساعات ديشب (ساعت ۱۱/۳۰) دودوربیا پنهانې موفقت خوردا يا واځاري داسپينگه ما دانخويان و دانځه گيان دانځه شيران اعلاداشت...»

ما درانځه به مسئلې پرېسيې اېن رفا درنځش تهيدات متقابل درجړيان کفا بلل مشترک ومخه، که نشان ارځکتا ريسم ولايتدي دربرخوردې اېن گوښه فعاليتهاوت نښې پروا وم، شهادت و روبرو خوردا به مسئله «مقاومت» دربراهموار و راجع مختصر اېن کوشم.

نایب‌داری در مقاومت و

تئوری «عدم تشنج»

ج : توده وسیعی از مردمان آستانه، با تحریک و سرانگیختگی
ایستادند. اما که، قصد قتل یا به جوشی با نفوذ متشکل و مقابله
از نشووان را میکردند. در چنین مورتی مقاومت قبل از
تنگه کوچکترین درودروشی و درگیری بود. توده بدینا ایست
نکستنی نمود. اگر قتل و امتناع از تخلیه می گردید طبعاً
بین تخلیه به معنای دست یابی از رتاج بر آن بود.
بدین ترتیب هرگونه تاختنکی که قتل و امتناع از رتاج و متشکل
ول در میگردید مورد تردید قرار میداد، تا تاختنکی نبود
تسلیم طلبان بود. رتاج و امتناع بلا تردید باقی می ماند و قتل
در شکل سوم، یعنی مقاومت در برابر مردمان تجویزی نمود،
باز درجه ان عمل چنین تاختنکی از ادیش میگوشت. بعد
نمایان و تاختنکی آنرا ریشینی بود، که علاً با سبب با نوشته
نمایان و تاختنکی می ریخت.

همانطور که سیر حوادث نیز نشان داد، تمام توطئه‌های
میثت حاکمه در روز دوشنبه برای شکستن مقاومت قهرمانانه
انجمنیان، از طریق هجوم پاسداران و دستجات فالانژ،

رویزیونیسم را در هر یوشی افشا و طرد کنیم

تشنه "و" معانت از گسترش تحریکات؟! این محتوا و جان کلام فداشیا ن خلق در برابر توطئه اشغال دانهنگاه است. آیا سنا بدیهه سازمان ج. ف. خ. نیز در پی نمودن چنین راهی هندار داد؟

در میان نکته‌ای را نیز در باب مذاکره با بنی عذراف بل توضیح می‌دانیم:

رابطه مذاکره با بنی صدر و تئوری تشنج

شکی نیست که تا کنون مذاکره با ارتجاع زمانی که بنا بر مفاومت بوده‌ای و فاش را زبانشین باشد، کاملاً جایز است و اینجا و آنجا می‌توان برای بالا بردن آگاهی توده‌ها

تا در پس آن به دستاوردهای انقلاب و جنبش انقلابی توده‌ها هجوم برد. در پس این توطئه می‌گویند که کانونهای مبارزه و مقاومت را یک به یک سرکوب و خاموش نماید. تشنج با مقاومت و افشای سیاست‌های رژیم و اهداف توطئه‌چینانه آنها است که می‌توان "تشنج" بدین معنی را خنثی نمود. تسلیم و سازش در برابر ارتجاع تحت پوشش جلوگیری از "تشنج تشنج" ارتجاع را جری ترمی کنند تا با زهم به دامن زدن به تشنه‌های گساده در میان مردم و پیشبرد تشنه‌های توطئه آمیز خود ادامه دهد. تسلیم، ارتجاع را به جلوی راه مقاومت، آن را به عقب می‌کشانند. تشنج زمانی می‌تواند مبارزه توده‌ها را از افشای به مجاری انحرافی ای که وسیله رژیم باج‌دهنده‌اند تا از ندادن انقلاب جلوگیری نماید، با زدن تشنه‌ها با افشای و شرکت عملی در مبارزات توده‌ای و سازماندهی آن مبارزه طبقه‌ای را دامن زدن و این مبارزه را بر علیه تمام مظاهر و اشیاء جامعه طبقه‌ای، بر علیه سرمایه‌داری و استعمار و رژیم‌های سیاسی حامی آن گسترده تر نمود. فقط در این صورت است که می‌توان

فدائی اکنون چنین خط می‌ای را دنبال می‌کنند بلکه ما می‌گوئیم حرکت عملی آنها در جریان این حوادث و مضمون اعلامیه‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها در نظر دارند، چنین تئوری تسلیم طلبانه‌ای را در پشت خود نهاده‌اند. برای روشن شدن مسئله کمی بیشتر بر این "تئوری عدم تشنج" به همان مفهوم تسلیم طلبانه آن توضیح می‌دهیم.

ما تئوری "تشنج" را یک تئوری روبروینستی میدانیم چرا که عملاً به نفعی مبارزه طبقه‌ای می‌انجامد. این "تئوری" از توده‌ها می‌خواهد که برای جلوگیری از گسترش بحران سیاسی در جامعه، دست از مبارزه و مقاومت در عرصه‌های مبارزه طبقه‌ای بردارند. در پس این "تئوری" یک مسئله اساسی مخدوش می‌کند. همانطور که گفتیم باج‌ده "تشنج" و "بحران" در جامعه، اگر به معنای جلوگیری از ریزش و عملکرد تشنه‌های کاذب در میان توده‌ها و به عبارت دیگر به معنای جلوگیری و مانع از زلزله گرفتن توده‌های مردم در برابر سرکوبگری و با توده‌های آگاه مردم در برابر سرکوبگری و انقلابی، نخست تحریکات و توطئه‌های فدا انقلاب باشد، ما نیز با آن موافقیم و می‌گوییم که به هر طریق ممکن از "تشنج" به چنین معنایی جلوگیری کرد. اما مسئله اساسی این است که اولاً چگونه می‌توان از چنین "تشنج" جلوگیری کرد و در ثانی با بدین معنای "تشنج" به این معنا و "تشنج" به معنای که رژیم هر روز و هر ساعت آن را با گرمی می‌گیرد، یعنی به معنای مبارزه طبقه‌ای، مبارزه مکرر و تکیه و فدا می‌ریختن و افشای توده‌های مردم. اما با فراقی قابل شد. فداشیا ن خلق این دو نکته اساسی را از دیده فرومی‌اندازند و لاجرم به دامن یک تئوری روبروینستی می‌افتند. چه کسی تشنج به معنای دامن زدن به تشنه‌های کاذب در بدین توده‌ها، به منظور خاموش کردن تشنه‌های واقعی اجتماع را بوجود می‌آورد؟ آیا جزیه‌بخت خاکه‌گورزان و شبان در پس توطئه‌چینی، تفرقه‌اندازی اینجا دنیا می‌تواند توده‌ها و نیروهای انقلابی است؟ بی‌گمان سنا بدین سخنان معنی می‌باشد. اما چگونه می‌توان بدین چنین شیوه‌ای ارتجاع می‌مبارزه؟ بود؟ جز با دامن زدن به مبارزه طبقه‌ای و هدایت تشنه‌های واقعی در یک مجرای صحیح؟ جز با افشای ما بهیت و سرنگونه‌های توطئه‌گران و ریشه‌های جویانه بهیت خاکه و تشنه‌های عوام ارتجاع؟ چگونه می‌توان توده‌ها را از افتادن بدامن تشنه‌های کاذب و مورد دستاورد ارتجاع بازداشت؟ آیا با فراق خواندن آن‌ها به تسلیم و مقاومت و دست زدن به مبارزه طبقه‌ای؟

هیئت خاکه‌خو به تشنه‌های کاذب در میان مردم، که توهون آگاهی می‌زنند و تشنه‌ها را فراق کرده است دامن می‌زند

استدلال چریک‌های فداشیا ن خلق برای عدم ادامه راه (عدم ادامه مقاومت در برابر تشنه‌ها - ارتجاع به دانهنگاه) این بود که: "رژیم می‌خواهد جورا متشنج نموده و از آن بریان نیرو-های انقلابی بهره‌برداری کند. بنا بر این ما نباید کاری کنیم که این جوی وجود آید و آنرا دامن بزنیم". این جوهر اساسی استدلال و سیاست آنها در جریان شکستن مقاومت دانشجویان - یان، در برابر پرتی‌ها هم ارتجاع بود.

نسبت به ما بهیت فدا انقلاب و نیز از آن استفاده کرد و در مورد حوادث دانهنگاه نیز این قاعده وجود داشت. اما مذاکره‌ای که دانشجویان پیشگاه ما بنی صدر به عمل آوردند از موضع یک مذاکره‌آموزی و برپا به فاش را زبانشین و بنیان مکتب آن بلکه برپا به همان "تشنج" فداشیا ن خلق و در واقع برای تعیین نوع تسلیم در مقابل بهیت خاکه صورت می‌گرفت. آنها مذاکره می‌کردند تا این نتیجه برسد که چگونه و به چه شکلی مقاومت را در موردی که در آغاز آن سخن گفتیم بشکنند؟ و گرنه سیاست اعلام شده بنی صدر که عبارت از اولتیماتوم به دانشجویان آگاه و انقلابی برای ترک فدا خود و در قیام تشکر تشنه‌ها به دانهنگاه بود، دیگران به ما می‌برای دانشجویان آگاه و انقلابی تشنه بود که مقاومت را تا حد امکان ادامه دهند. یعنی فقط در صورت رودر و فراق گرفتن با مردم مقاومت خود را بتکلی که پیش می‌رفت بشکنند. ■

از اینجا دیگران می‌گویند که در جامعه که به حال مقاومت و مبارزه واقعی توده‌ها، بلکه کامل توطئه‌ها و سیاست‌های ریا - کارانه رژیم و کامل ترک سنگرمقاومت و مبارزه بر علیه هجوم ارتجاع است، جلوگیری نمود.

چنین است معنا و مفهوم "عدم باج‌ده تشنج" و "ما بهیت از گسترش تحریکات". بنا بر این آیا ما حق داریم بگوئیم که این تئوری روبروینستی، یک تئوری تسلیم طلبانه و ناسیاسیستی است؟

برای این باید به ما معتقدیم که سازمان چریک‌های فداشیا ن در تشنه‌ها دامن زدن تشنه‌های تشنه‌ها و ملازمتی از گراشتن روبروینستی و راست روانه را بهما پیش گذاشت، نوسل به قدرت خاکه‌خور کردن توده‌ها، تشنه‌کاری، تزلزل و بالاخره تسلیم سرگردانیت شعار روبروینستی و توجیه کارانه "عدم"



دانشجویان آگاه و انقلابی را به پوشش با سداران و تشنه حمله چاقو فداشان و چاقو فداشان و نه زدن و نه حتی تشنه‌ها را از فعالیت سیاسی یعنی خدمت به رزمندگان باز نخواهد داشت!

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی